

مروری بر رهیافت‌ها و فرایندهای مشارکت پایدار مردمی در طرح‌های توسعه‌ای

■ محمد بهنام رسولی، محمد جواد سمیعی، مهدی زینلی
گروه مهندسی اجتماعی آبانگاه

امروزه بیش از هر زمان دیگر، استفاده کارا، مؤثر و پایدار از سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته بخش‌های مختلف، به‌ویژه در توسعه منابع آب و خاک، نیازمند بستر سازی و جلب مشارکت متوازن و مؤثر کلیه کنش‌گران و ذی‌نفعان است. برای این منظور، تعریف نظام بهره‌برداری پایدار محلی از طریق شناخت دقیق مسئله، شبکه افراد و گروه‌های درگیر در مسئله و تبیین منافع و منابع هر یک بر پایه نقش و روابط میان آن‌ها، دریافت، فهم متقابل و اقلان کامل تمامی کنش‌گران حاضر در منطقه (نهادهای دولتی، گروه‌های بهره‌بردار محلی و...) امری کلیدی به شمار می‌رود. به طور دقیق‌تر، طرح‌های توسعه‌ای در زمینه مدیریت مشارکتی هنگامی موفق خواهند بود که بهره‌برداران و جوامع محلی ذی‌نفع، به طور کامل و عینی به دستاوردها و خروجی آن نیاز داشته (محور انتفاع) و از فرصت و توانمندی مشارکت فعال و مسئولانه در سطوح مشخص و تعریف شده‌ای از فرایند بهره‌برداری، بهسازی و نگهداری آن (شاخص سازمان‌یافتگی) برخوردار باشند تا بدین ترتیب، ضمن تأمین منافع در کوتاه‌مدت و بلندمدت، در آنان تعلق خاطر و احساس مالکیت و انتفاع به منابع و تأسیسات پدید آمده به وجود آید.

آنچه در مسیر موفقیت مشارکت‌پذیری مردمی حائز اهمیت است، لحاظ مؤلفه‌های اجتماعی و لوازم و ضوابط فعالیت در این حوزه به‌عنوان فضای بین‌رشته‌ای (مهندسی - اجتماعی) نوپا و تعریف و استقبال از فضای گفت‌وگو و تعامل صادقانه و سازنده به دور از پیش‌فرض‌های محدودکننده است. تکیه بر استانداردها و مدل پروژه‌های سازهای و سخت‌افزاری (فنی) یا پیشبرد از طریق سازوکارهای رایج تئوریک و پژوهشی محور در حوزه علوم انسانی، هیچ‌یک به تنهایی مدل مناسبی برای پیشبرد فعالیت‌های بین‌رشته‌ای نیست و لازمه موفقیت در این زمینه انعطاف و طرح‌ریزی خلاقانه و مبتکرانه برای حصول حداکثر نتایج و دستاوردهاست. همچنان که ذکر شد، لازمه ایجاد روابط و سازوکار پایدار مبتنی بر بستر اجتماعی، تعریف اقدامات اعتمادساز و ظرفیت‌سازی برای جلب مشارکت و همراهی ذی‌نفعان در مسیر حل مسئله است. پیش‌نیاز این مهم، تفاهم طرفین و درک منافع مشترک و همسوس است. متضمن حسن روابط و پایداری نظام‌های استقرار یافته باشد.

در این باره توجه به این مسئله ضروری و کلیدی است که اقدامات و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی پروژه نیست، بلکه پروسه است که باید به‌دقت طرح‌ریزی و راهبری شود.

بر این اساس، نیاز است طراحان و برنامه‌ریزان مدیریت مشارکتی، پیش از هرگونه فعالیت، برای برنامه‌ریزی و تعریف پروسه بستر سازی، اعتمادسازی و جلب اعتماد جوامع محلی برای مشارکت و حرکت در راستای سازوکار انتقال بهره‌برداری اقدام کنند؛ برنامه‌ریزی‌ای که مبتنی بر بهره‌مندی از اصول و ساختار علمی و مبانی تئوری دقیق است، که صرف‌فصل‌هایی از آن در ادامه معرفی می‌شود.

■ مدل‌سازی اجتماعی و آنالیز کنش‌گران

مدل‌سازی اجتماعی (عامل‌محور) روشی تحلیلی در علوم اجتماعی محسوب می‌شود که به‌سرعت توسعه یافته است. این مدل به‌عنوان رهیافتی روش‌شناسی در مطالعات اجتماعی بر عامل‌های اجتماعی به‌جای متغیرهای اجتماعی تکیه دارد. آنالیز کنش‌گران، در همین راستا و به‌طور کامل، ابزار شناخت و ترسیم الگوی کنش‌گران، منافع و منابع (قدرت) هر یک و روابط فی‌مابین را نتیجه می‌دهد.

■ رویکرد فراتسهیل‌گری

فراتسهیل‌گری فرایندی است که با کمک آن، ابتکار عمل، خلاقیت و همچنین قدرت تصمیم‌گیری به کنش‌گران و ذی‌مدخلان انتقال می‌یابد و زمینه حضور مؤثر آنان در مذاکرات و روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را مهیا می‌سازد. این رویکرد را نخستین بار آژانس همکاری‌های بین‌المللی ژاپن (جایکا) در استان گلستان به صورت الگویی پیاده‌سازی کرده است.

در ارتباط با موضوع تسهیل‌گری و فراتسهیل‌گری باید توجه داشت آنچنان که در برخی موارد به اشتباه مورد اشاره با کاربرد قرار گرفته است، هدف القای مقصود و برنامه خاصی در ذهن مخاطب نیست، بلکه آرمان تسهیل‌گری، توانمند کردن مخاطب برای رسیدن به نتیجه و برنامه دقیق و کارا در مسئله است. در این زمینه، پذیرش اشراف مخاطب بر نیاز خود و تعهدپذیری آن بر تصمیم منتج از شناخت و اراده خود می‌بایست اصل اولیه‌ای باشد که تسهیل‌گر به آن باور و اعتقاد دارد.

■ نظریه نوکار کردگرای

این نظریه بر این باور است که زمینه همکاری میان کنش‌گران مختلف را ابتدا باید در سطح خرد و میان‌مدت تعریف کرد تا پس از سرریز تعامل صورت گرفته، در سطوح بالاتر امکان همکاری طولانی‌مدت و تفاهم‌های اساسی فراهم آید. بدین ترتیب، بستر اعتماد لازم برای سازوکار بلندمدت فراهم می‌آید و زمینه بروز تعارضات جدید به‌شدت کاهش می‌یابد.

بنابراین، پیاده‌سازی الگوی اولیه ساده‌ای از همکاری و تعامل و بروز فضای سازنده و جلب اعتماد متقابل، مقدمه‌ای بر توسعه همکاری‌ها در سطوح بالاتر و توافقات نهایی را پدید خواهد آورد.

■ مدیریت حل تعارض

نبود وجود منابع (قدرت) همسو و متعادل در میان کنش‌گران مختلف منجر به بی‌حاصل بودن مذاکرات و فضای اعمال نظر (یک‌سویه) به‌جای تبادل نظر و تفاهم می‌شود. مدیریت شرایط به نحوی که بین کنش‌گران مختلف در مسئله ایجاد تعادل شود و هم‌افزایی برای رفع مشکل مستقل از نقاط افتراق به وجود آید، رهیافت اصلی استفاده از تکنیک‌های این روش مدیریتی است.

■ بهره‌مندی از روش‌های نوین مذاکره

مذاکره مؤثر به‌عنوان گام اساسی در گردآوری کنش‌گران و ایجاد هم‌بستگی منافع حائز اهمیت ویژه است. تعریف بهترین گزینه ممکن (BATNA) و استخراج منافع و تهدیدهای هر انتخاب در جهت حداکثر کردن منافع جمعی از جمله امتیازات فراهم آمده از طریق راهبردهای مذاکره است که می‌بایست به‌طور اصولی مدنظر قرار گیرد.

بر پایه بهره‌مندی از اصول و رهیافت‌های مورد اشاره، اقدامات و برنامه‌های طراحی شده برای پروژه‌ها و طرح‌های مدیریت مشارکتی را می‌توان به چهار مرحله تقسیم‌بندی کرد:

■ مرحله اول (شناخت مسئله و گردآوری اطلاعات)

شناخت مسئله و انجام مطالعات اولیه (در محورهای اجتماعی، اقتصادی، فنی و حقوقی عرفی) با تأکید بر آنالیز کنش‌گران، همچنین جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات بهره‌برداری و سازوکارهای موجود اولین گام در تعریف مشارکت و جلب همراهی مؤثر بهره‌برداران و جوامع محلی است که به‌بستر و سنگ بنای اقدامات بعدی را به شکلی روشنگرانه شکل خواهد داد.

■ مرحله دوم (تعریف دوران مشارکت میان‌مدت)

تعریف برنامه مشارکت و بهره‌برداری میان‌مدت از طریق ایجاد تفاهم و سازوکار موقت فی‌مابین حاکمیت و جوامع محلی به‌منظور ایجاد فضای اعتمادسازی، همچنین امکان تکمیل و نهایی‌سازی مطالعات مبتنی بر اطلاعات میدانی و تجربی، گام دوم اقدام است که با تکیه بر نظریه نوکار کردگرای به دنبال اعتمادسازی و فراهم آوردن سرمایه اجتماعی لازم برای شکل‌گیری همکاری‌ای پایدار و آگاهانه است. در طی این دوران، به‌طور هم‌زمان با بهره‌برداری، بستر آموزش و توانمندسازی جوامع محلی برای ظرفیت‌سازی انتقال مدیریت درازمدت فراهم می‌آید. سطح مطلوب واگذاری و سازوکار آن، از جمله موارد اساسی است که در طی مرحله دوم به آن پاسخ داده خواهد شد.

■ مرحله سوم (تعریف سازوکار مشارکت بلندمدت)

تعریف سازوکار و نظام مشارکت و بهره‌برداری درازمدت بر بستر اعتماد ایجاد شده و ارزیابی و پایش دوران موقت، همچنین مطالعات نهایی شده در طی مراحل اول و دوم و استقرار آن، به‌عنوان هدف عملیاتی مقصود پروسه مورد نظر، در گام سوم محقق خواهد شد. در این مرحله، ضمن استخراج مدل و نظام مشارکت درازمدت اقدام به پیاده‌سازی و استقرار نظام مشارکت پایدار (در سطوح پیشنهادی بر اساس مطالعات) خواهد شد.

■ مرحله چهارم (تثبیت و پایدار سازی)

نهال مشارکت پدید آمده در مرحله سوم، نوپا و آسیب‌پذیر است و لازم است با برنامه‌های حمایتی و نظارتی دقیق، تا شکل‌گیری ابزارهای استقرار پایدار نظام مشارکت از آن مراقبت و حراست شود. گفتنی است که با توجه به رویکرد مدل‌سازی و برنامه‌ریزی اجتماعی عامل‌محور، فرایند معرفی شده، پویا (دینامیک) و مبتنی بر پایش‌های صورت گرفته در هر مرحله، قابل تدقیق و تکمیل خواهد بود.

